

بررسی فقهی حقوقی تنزیل اسناد و اوراق بهادر با تاکید بر مقررات جدید بانکی

بهمن کریمی گلنار^۱

جمشید شیری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۰۲

چکیده

خرید دین یکی از نهادهای مورد اختلاف در فقه امامیه است، که در معاملات بانکی کاربرد فراوان دارد، در مورد ماهیت، وضعیت، اقسام و انواع گوناگون این نهاد حقوقی در میان فقهای امامیه اختلاف نظر وجود دارد، اما اصل موضوع مورد وفاق است که به پیروی از این نظر، به طور رسمی در اوآخر سال ۱۳۸۹ وارد ادبیات قانونی ما شده و دستور العمل اجرایی آن توسط شورای پول و اعتبار به تصویب رسید. تنزیل یکی از رایج ترین اقسام خرید دین است که در ادبیات تخصصی با عنوان خرید دین پولی شناخته می‌شود. و در حقوق بانکی در قالب تنزیل اوراق مشارکت رهنی و اعتبارات اسنادی و بروات و اسناد تجاری و ... برای تأمین اعتبار توسط تجار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: خرید دین، تنزیل اعتبارات اسنادی، تنزیل اسناد تجاری، حقوق بانکی، ربا
طبقه بندی JEL: K290

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی

۱- مقدمه

در بانکداری اسلامی به استناد قوانین مصوب و قواعد مسلم شرع باید معامله بانکی عاری از هرگونه ربا باشد. متاسفانه بسیاری از عملیات بانکی امیخته با ربا است، که در نظام حقوقی بانکی تلاش‌های فراوانی برای حل این معضل شده است: برخی ماهیت و وضعیت حقوقی ربا و بهره را از هم متمایز نموده اند، (کاشانی، ۱۳۸۴، ص ۱۲) و برخی مشارکت و مضاربه و فروش های اقساطی و را پیشه‌هاد می‌کنند. (بربار، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲) یکی از عقودی که قابلیت بهره‌برداری در عملیات بانکی بدون ربا را دارد، عقد خرید دین است. که البته در این مقاله به یکی از اقسام آن یعنی خرید دین پولی می‌پردازیم. عملیات مربوط به خرید دین پولی بر مبنای آئین‌نامه موقت تنزیل استناد و اوراق تجاری (خرید دین) و مقررات اجرایی آن که در جلسه مورخ ۱۳۶۱/۸/۲۶ شورای پول و اعتبار به تصویب رسیده و در شورای نگهبان نیز مخالف با موازین شرعاً و قانون اساسی شناخته نشده بود و نیز اصلاحیه بعدی آئین‌نامه مذکور مصوب ۱۳۶۶/۹/۲۴ شورای پول و اعتبار، انجام می‌پذیرفت، که امروز بر اساس دستورالعمل مصوب توسط شورای پول و اعتبار مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۵ صورت می‌پذیرد.

۲- خرید دین

با توجه به اینکه تنزیل یکی از اقسام خرید دین است ناگزیر از بررسی خرید دین به لحاظ مفهوم و ماهیت و وضعیت فقهی و حقوقی آن هستیم و بعد از ارائه نظرات فقهاء و روشن شدن وضعیت حقوقی خرید دین در نظام فقهی و حقوقی ایران تنزیل را به عنوان یکی از اقسام خرید دین بررسی می‌نماییم.

برای تعیین وضعیت حقوقی خرید دین از دیدگاه فقهاء و حقوقدانان و تطبیق آن در نظام حقوق بانکی لاجرم باید تعریف و ماهیتی از خرید دین را ارایه نمود:

۲-۱- تعریف خرید دین

در کتب فقهی متاسفانه تعریفی برای خرید دین ارایه نشده است، ولی با دقت در عنوان آن می‌توان تعریف جامعی از خرید دین ارایه کرد. (البته از تعریف قانونی که در دستور العمل اجرایی خرید دین مصوب شورای پول و اعتبار در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۲۵ ارایه شده باید غافل شد).^۱ «خرید دین قراردادی است که به موجب آن دین حال یا موجل به کمتر یا بیشتر و یا معادل مبلغ اسمی آن به صورت نقدی و یا غیر نقدی از طلبکار، توسط مدیون یا ثالث، خریداری می‌شود.»

۱. خرید دین قراردادی است که به موجب آن شخص ثالثی دین مدت دار بدھکار را به کمتر از مبلغ اسمی Hن به صورت نقدی از وی خریداری می‌کند.

۲-۲- ماهیت خرید دین

در مورد ماهیت حقوقی خرید دین می‌توان بین سه مورد قائل به تردید شد که از این قرار است:

۱- خرید دین به عنوان عقد بيع

وقتی به کتب فقهی که خرید دین از آن‌ها اقتباس شده است نگاه می‌کنیم غالباً با عنوان بيع الدین از آن یاد کرده، (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۰- علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۵۷ و همان ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۱۲۶ - فخر المحققین، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶ - شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۱۳ - شیخ طوسی، ۱۴۰۸، ص ۲۵۲ - ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۵۵ - صاحب معالم، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۴۵۵ - محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۳۸ - شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۱۹ - عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۵، ص ۶۵ - طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۹، ص ۱۳۵ - محمد حسن نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۳۴۷ - شیخ انصاری، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۳۴ - نائینی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۸۸ - بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۷ ص ۱۹۶) و احکام بيع را بر ان بار نموده‌اند، دینی که در عقد خرید دین مد نظر ماست با عینی که قانون‌گذار در تعریف بيع^۱ به ان اشاره کرده است هم خوانی و تناسب دارد:

اولاً: دین می‌تواند مفهومی همسان با عین کلی فی الذمه داشته باشد و مشمول عقد بيع مورد تعریفه در قانون مدنی شود.

دوماً: درست است که برخی از بزرگان فقه (شیخ انصاری، همان، ج ۳، ص ۱۱ - نجفی، همان، ج ۲۲، ص ۲۰۶)، ادعای اجماع کرده و استقرار نظر جمیع فقهرا را بر لزوم عین بودن مبیع دانسته اند، ولی می‌توان گفت: بيع در اغلب موارد نقل اعیان است نه شرط لازم بيع. در بین عرف و عقلاً در جهان کنونی نیز بيع سرقفلی و بيع امتیاز آب، برق و تلفن، امری رایج است، با اینکه در این موارد، فروشنده جز «حق»، چیز دیگری ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۳۱۲).

۲- خرید دین به عنوان قراردادی خصوصی

اگر همداستان شویم با گروهی که مقررات و ضوابط بيع را همسان با خرید دین نمیدانند و معتقدند که در بيع فقط عین است که مورد نقل قرار می‌گیرد، (شیخ انصاری، همان - نجفی، همان) پس باید بدنبال گنجاندن این عقد در قالب قرارداد خصوصی و ماده ۱۰ قانون مدنی باشیم؛ کما اینکه در مورد انتقال برخی از حقوق همانند حق خیار، حق سرقفلی و ... می‌توان این گونه نظر داد.

۱. ماده ۳۳۸ قانون مدنی: بيع تملیک عین است در مقابل عرض معلوم.

۲-۲-۳- خرید دین به عنوان عقدی معین

همان طور که برخی حقوقدانان به درستی اشاره نموده اند، یک عقد می تواند در زمانی به طور عقد نامعین باشد و در برده ای از زمان باتصویب قانون و احکام و اثار خاص برای آن به صورت عقدی معین در باید. (قنواتی، وحدتی، عبدی پور، زیر نظر محقق داماد، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۲۸) خرید دین هم تا قبل از سال ۱۳۸۹ که طرح آن در مجلس شورای اسلامی تصویب شد، بیع تلقی می شد؛ لیکن با توجه به قانونی که در این مورد به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، میتوان گفت قانون گذار این عمل حقوقی را به عنوان عقدی معین، و شرایط و اثار و احکام خاصی را برای آن در نظر گرفته است. البته همانطور که گفته شد خرید دین از عقود معین موضوع ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه تحت عنوان ماده واحده الحق عقود سه گانه به قانون عملیات بانکی بدون ربا است. که نهایتاً به نظر می رسد عقد خرید دین از نظر تحلیلی عقد بیع است ولی خود از عقود معین است.^۱

۲-۳- وضعیت حقوقی خرید دین

برای تبیین وضعیت حقوقی خرید دین و استفاده از آن در عملیات بانکداری بدون ربا باید خرید دین را در فقه امامیه و حقوق ایران مطالعه نمود، که ابتدا وضعیت فقهی موضع تبیین و سپس به بررسی آن در نظام حقوقی ایران می پردازیم:

۱-۳-۲- وضعیت حقوقی خرید دین در فقه امامیه

با مطالعه و تدقیق در فقه امامیه در مورد خرید دین می توان کلیه نظراتی که در این خصوص وارد شده است را در ذیل پنج گروه جمع بندی کرد:

- ۱-۲-۳-۱- گروهی از فقهاء خرید دین را به طور مطلق صحیح دانسته، و بدون ورود در تقسیم‌بندی‌ها و تفصیلات وارده در موضوع مطلقاً به جواز بیع دین افتاده اند؛ (امام خمینی^۲، ۱۴۲۶، ص ۶۰۵ - خوبی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۷۳ - سیستانی، ۱۴۲۲، ص ۵۶۲ - شبیری زنجانی^۳، ۱۴۳۰، ص ۴۹۰ -

۱. برای دیدن مورد مشابه رک به کاتوزیان ناصر همان ذیل ماده ۳۳۸ حاشیه ۵.

۲. مسأله ۲۷۰۱. سفته حقیقی را اگر کسی از بدھکار بگیرد که با دیگری به مبلغی کمتر معامله کند، حرام و باطل است، اگر خود طلبکار سفته‌ای را که از بدھکار گرفته به مبلغی کمتر به فرد سومی بفروشد، بلاشكال است.....

۳. مسأله ۲۲۹۷- اگر در مقابل طلبی که از کسی دارد سفته یا براتی داشته باشد و بخواهد طلب خود را پیش از موعد آن به کمتر از آن بفروشد اشکال ندارد.

فیاض، ۱۴۲۶، ص ۳۵۳ - فاضل لنگرانی، ۱۴۲۶، ص ۵۲۶ - مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۲۳۵
- تبریزی، ۳، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۴)

۲-۳-۱-۲- گروهی با تدقیق در عوض معامله در عقد خرید دین به افتاء پرداخته اند. بسیاری از فقهای امامیه (خوبی، همان، ج ۲ ص ۱۷۳ - امام خمینی، بی تا، ج ۱ ص ۶۴۹ - عاملی، همان، ج ۴، ص ۴۲۵) با توجه به روایاتی از معمومین علیهم السلام خرید دین را در صورتی که عنوان خرید دین بدین بر ان صدق کند، ممنوع و باطل میدانند و از جمله ان روایتی است که بدان اشاره نموده اند: «عن ابی عبدالله (ع): قال رسول الله (ص): لا يباع الدين بالدين». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۴۷) بیع دین به دین معامله دین در مقابل ثمنی است، که خود دین است. در میان فقهاء حقوقدانان مشهور است (خوبی، همان - امام خمینی، همان - امامی، بی تا، ج ۱، ص ۴۵۵ - کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۰۶) که نباید در مقابل دین، دین قرار گیرد و گرنه مشمول نهی نبوی قرار گرفته و باطل می شود؛

۲-۳-۱-۳- گروهی خرید دین توسط غیر مديون را باطل (خامنه‌ای، ۱۴۲۴، ص ۴۷۶) و یا حداقل واجد اثر حقوقی نمی دانند. (حلی، ابن ادریس، همان، ج ۲، ص ۳۳ و ۵۵ - امام خمینی، همان، ج ۲، ص ۱۷۶) اکثریت قریب به اتفاقی از فقهاء (عاملی، همان، ج ۵، ص ۲۲ - حسینی عمیدی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۸۱) بیع دین به غیر مديون را مثل دیگر اقسام بیع دین محکوم به صحت می دانند. این رأی مشهور است.

برخی مديون را به پرداخت مبلغی بیش از انچه که شخص ثالث پرداخته است، ملزم نمی دانند.
(ابن ادریس حلی، همان، ج ۲، ص ۵۶ - امام خمینی، همان، ج ۲، ص ۱۷۷)

در مقابل مشهور معتقدند که اگر بیع دین به مبلغ کمتر به غیر مديون صحیح باشد، خریدار دین (دین جدید) طلبکار تمام دین از مديون می شود و حق در دریافت آن است؛ (احمد بن محمد حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۸۶ - محقق کرکی، همان، ج ۱۵، ص ۱۸)

۱. مسأله ۱۵۲۵ فروش دین به کمتر از آن، در صورت که دین از طلا و نقره یا از مکیل و موzen نباشد، جایز است؛ برای رهایی از معامله ربوی می تواند به این صورت عمل نماید که: استفاده کننده از اوراق تجاری که در جای دیگر قابل وصول است، آن را به بانک بدهد، و بانک بعد از کسر مصارف خود، می تواند بقیه قیمت آن را به دارنده آن بپردازد.

۲. سؤال ۷۲۳ - خریدوفروش چک و سفته چه حکمی دارد؟ جواب: خریدوفروش چک یا سفته‌ای که سند بدھکاری کسی می باشد به کمتر یا بیشتر مانع ندارد.

۳. فروش دین مدت دار به مبلغ کمتر به نقد مانع ندارد، و در فرض سؤال که چک حقیقی است یعنی صادر کننده چک به کسی که چک در وجه او نوشته شده مديون است و چک سند این دین است فروش مبلغ آن چک به مبلغ کمتر به نقد مانع ندارد، و الله العالم.

۱-۴-۲-۳-۴- گروهی خرید دین بعد از حلول ان را صحیح لیکن خرید دین قبل از حلول ان را باطل و بلا اثر می دانند. (فضل مقداد حلبی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۴۶ - علامه حلبی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶ - ابن ادریس حلبی، همان، ج ۲، ص ۴۲ - یحیی بن سعید حلبی، ۱۴۰۵، ص ۲۵۱) عده‌ی دیگری از فقهاء تفاوتی بین خرید دین بعد از حلول و قبل از حلول قائل نیستند و هر دو را محکوم به صحت می دانند؛ که البته باید اذعان داشت این گروه در اکثربت هستند و قول مشهور را تشکیل می دهند. (قدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۹۸ - شهید ثانی، همان، ج ۴، ص ۲۰ - محقق کرکی، همان، ج ۵، ص ۳۹).

۱-۴-۲-۳-۵- گروهی دیگر بین خرید دین به میزان دین و خرید دین به کمتر از میزان دین قائل به تفصیل شده اند؛ با این توضیح که خرید دین به میزان کمتر از دین را جایز و یا دست کم واجد اثر حقوقی نمی دانند. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۰) اما در مورد حکم فقهی خرید دین به مبلغ کمتر، کسانی که با اصل خرید دین مخالفتی ندارند، در مورد خرید دین به مبلغ کمتر هم قابل به صحت هستند (فضل یوسفی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۵۳۶ - علامه حلبی، همان، ج ۵، ص ۳۷۱ - بحرانی، بی تا، ج ۲۰، ص ۱۵۹) و تنها اشکال واردہ بر ان روی بودن معامله است که بدان پرداخته می شود؛ با توجه به قواعد ربانی معاملی، با تحقق موارد ذیل خرید دین به مبلغ کمتر مشمول معامله ربوی و در نتیجه حرام و باطل می باشد:

۱- همجنس بودن عوض و معوض (دین و عوض دین) در خرید دین

۲- مکیل و موزون بودن دین

با این توضیح که اگر عقد خرید دینی صورت بگیرد و دینی که در آن مورد معامله قرار می گیرد با عوضی که در مقابل دین معامله می شود همجنس باشد و ایضاً جنس عوض و معوض مورد معامله از اجنبایی باشد که تعیین و اندازه گیری آن به صورت کیل و وزن صورت می گیرد، این خرید دین ربوی است.

در بحث ربوی بودن این عقد اشکال وجود دارد، با این عنوان که فلسفه تحریم ربانی در این مورد بخصوص جاری نیست و مشمول ایه تجاره عن تراض است. (فیاض، ۱۳۹۲، ص ۱۷۵) با تدقیق در متون فقهی می توان فلسفه تحریم ربانی را به شرح ذیل دسته بندی کرد:

۱- ربانی «اکل مال به باطل» است. و بدون شک «اکل مال به باطل» حرام است، بدین جهت ربانیز حرام است. معنی اکل مال به باطل این است که انسان بدون دلیل منطقی و عقلی، درآمدی داشته باشد و به عبارت دیگر اکل مال به باطل، درآمد بی جهت و بادآورده است. (محقق داماد، ۱۳۹۳، ص ۱۲۳ - مکارم، بی تا، ص ۱۹)

۲- ربا بازدارنده مردم از تلاش‌های اقتصادی است و سبب می‌شود که مردم از تجارتها و معامله‌های مفید و سودمند، اما پر زحمت و حلال، روی گردان شده، جذب این معامله فاسد و پردرآمد و کم زحمت و حرام بشوند. (همان، ص ۲۳)

۳- ربا مصدق بارز ظلم است و در آیه ۲۷۹ سوره بقره، ذیل بحث ربا، خواندیم: «... لا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» نه ظلم کنید و نه زیر بار ظلم بروید؛ یعنی اگر ربا بگیرید ظلم کرده‌اید پس با ربا گرفتن ظلم نکنید و اگر سرمایه اصلی شما را به شما بازنگردانند به شما ظلم شده است، به همین جهت باید سرمایه اولیه به شما برگردد تا مورد ظلم قرار نگیرید.

با ملاحظه این دلایل و تطبیق آن بر مساله خرید دین به مبلغ کمتر نکات ذیل که بیان گر عدم جریان ریای واقعی در این معامله است، بدست می‌اید:

۱- خرید دین نه تنها مصدق بارز اکل مال به باطل نیست بلکه دقیقاً از مواردی است که طرفین معامله براساس منطق معاملاتی دارای سود و منفعتی می‌شوند، چرا که مالی که طلبکار قرار بود در موعد و اجل دیگری بدست بیاورد، زودتر از آن موعد به طلب خویش می‌رسد.

۲- نه تنها باعث رکود اقتصاد و فعالیت تجاری نیست، بلکه در چرخه اقتصاد لازم و حتی باعث پیشرفت تجاری است. به عنوان مثال تاجری طلبی از دیگری دارد ولی موعد آن سه ماه دیگری است، این تاجر نیاز شدیدی به خرید مواد اولیه برای کارخانه خویش دارد، با استفاده از همین خرید دین چک وسفة‌ها را به تاجر دیگری به مبلغ کمتر می‌فروشد و نیاز اقتصادی خویش را براورده می‌کند.

۳- مصدق بارز ظلم نیست، چرا که امروزه در فعالیت‌های اقتصادی و تجاری ان چه اهمیت بالایی دارد، زمان است. کسی که سودی از این معامله بدست می‌ورد عنصر مهمی را به نام زمان از دست می‌دهد، که بین تجار منفعت کمی نیست.

با توجه به مطالب و مراتب پیش گفته می‌توان به عنوان یک نظر مشهور که وفق اصل ۱۶۷ قانون اساسی جز منابع حقوقی بشمار می‌رود، صحت خرید دین را در فقه امامیه مورد پذیرش قرار داد، همان طور که بزرگانی از فقهای معاصر بدان ملتزم شده‌اند. (ر ک به صص ۴ و ۵ همین نوشتار)

۲-۳-۲- وضعیت حقوقی خرید دین

در اواخر سال ۱۳۸۹ پس از طرح موضوع در شورای فقهی و تشریح آن در نظام حقوقی بانکی، پیشنهاد اضافه شدن سه عقد (خرید دین، استصناع، مرابحه)، به برنامه پنجم توسعه توسط بانک

مرکزی مطرح گردید و با مساعدت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه گنجانده شد، سپس هیئت وزیران به استناد ماده ۹۸ در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۵/۲ بخشنامه ان را برای الحق به قانون عملیات بانکی بدون ربا تصویب نموده؛ دستور العمل اجرایی ان نیز در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۲۵ توسط شورای محترم پول و اعتبار به تصویب رسید.

البته باید اذعان داشت قانون مذکور، خرید دین را مختص خرید دین پولی ندانسته است و البته باید توجه داشت که دستورالعمل اجرایی عقد خرید دین به طور خواسته یا ناخواسته دو مطلب را مد نظر قرار داده است، که جدا قابل انتقاد است:

۱- خرید دین را در جای جای دستور العمل فقط از نوع خرید دین پولی (تنزیل) مدنظر

قرار داده است. که به نظر می رسد این محدود کردن عقد خرید دین است که می تواند در بسیاری از موارد که دین پولی نیست به کمک تجار و ... بیاید.

۲- در خیلی از مواد دستور العمل عبارت «به صورت وجه نقدي...» استفاده شده است که

بيانگ عدم پذيرش خرید دین به ثمن موجل از يك سو، و خرید دین به دين از سوی ديگر است؛ اين بحث از دستور العمل اجرایی عقد خرید دین قابل انتقاد است که باید مورد اصلاح قرار بگيرد، البته باید اذعان داشت موضع متعلق به دستور العمل است و گرنه خود ماده واحده اي که عقود سه گانه را به قانون عملیات بانکی بدون ربا ملحق كرد چنان نظری را اعمال ننموده بود و از نظر مشهور فقهاء برای عقد دین پیروی نموده بود.

نهایتا می توان اذعان کرد صحت عقد خرید دین به عنوان يکی از عقود شرعی مورد پذيرش قانون گذار قرار گرفته است که البته برای تفسیر ان ناگزیر از متون فقهی معتبر و دستورالعمل های مصوب برای ان استفاده کرد.

۳- خرید دین پولی (تنزیل)

امروزه با توجه به اينکه ديون در اغلب موارد دین پولی است، خرید دین از نوع پولی یا تنزیل کاربرد فراوان پیدا می کند؛ وضعیت حقوقی این نوع از خرید دین تفاوتی با اصل خرید دین ندارد و مشمول قاعده عام در مورد خرید دین است، که البته مفصل بررسی می شود.

۳-۱- مفهوم تنزیل

مفهوم تنزیل را از جهات گوناگونی می توان مورد مدافعه قرار داد، گاهی تنزیل را به معنی پست کردن و در اصطلاحات عامیانه ربح پول را گرفته ان و همچنین بدان نزول عنوان داده اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۶، ص ۱۷۹) یا به عبارتی تنزیل را از ریشه «ن - ز - ل» به معنی پایین آوردن،

کاستن و جای گزین کردن پنداشته اند. (بندر ریگی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۹۱۳) که از این میان، معنای اول با بحث ما متناسب است . هم چنین سودی که به پول وام داده شده را تنزیل و نیز به پولی که برای پرداخت وجه برات یا سفته قبل از سرسید کسر کنند، را تنزیل گفته اند. (عمید، ۱۳۵۵، ص ۳۲۲ و معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۱۵۱) این کاربرد در زبان فارسی، به مفهوم اصطلاحی و اقتصادی تنزیل که ما قصد بررسی آن را داریم، نزدیک است. تنزیل در اقتصاد عبارت است از معامله و فروش حق دریافت مبلغ مدت دار در مقابل مبلغی کم تر و نقد و به مابه التفاوت دو مبلغ، نزول می گویند . لازمه این تعریف محاسبه ارزش فعلی مبلغ مدت دار است. (مریدی و نوروزی، ۱۳۷۳، ص ۲۸۲)

در متون اسلامی «بیع دین» یکی از واژه هایی است که با تنزیل ماهیتی یکسان دارد و در بانک داری اسلامی از آن به فروش یا خرید دین پولی یاد می شود. به عبارت روشن تر، بیع دین پولی عبارت است از تنزیل اسناد و اوراق تجاری که سرسید آن ها در آینده است؛ به این صورت که مثلاً دارنده سفته با مراجعته به بانک، قبل از سرسید طلب خود را نقداً و با مبلغی کم تر دریافت می نماید.

البته میان بیع دین و تنزیل به معنای خاص کلمه تفاوت‌هایی وجود دارد:

- ۱- در بیع دین، فقط عقد بیع مطرح است ولی در تنزیل، می توان از عقود دیگری مثل صلح بهره گرفت.
- ۲- به طور معمول تنزیل فقط در بدھی پولی مطرح است ولی خرید دین در کالاها هم می‌تواند مطرح باشد. به طور مثال می‌توان موردی را در نظر گرفت که شرکت یا موسسه‌ای بخشی از محصولات خود را که قرار است پیمانکار برای او بسازد، به طور کلی می‌فروشد که در آینده تحويل دهد.

ولی این تفاوتها ان قدر اساسی نیست که در حکم خرید دین و تنزیل اختلاف ایجاد کند با این حال به بررسی دیدگاههای فقهای امامیه در این موضوع می‌پردازیم؛ ولی قبل از ان باید اذعان داشت که روشن شدن حکم خرید دین پولی منوط به اثبات سه نکته است:

الف) مالیت داشتن پول

به طور خلاصه می‌توان اذعان داشت: عنوان مال یک امر عرفی و عقلایی است، یعنی هر آن چیزی را که عرف و عقلاً آثار مالیت بر آن مترتب کنند، مالیت پیدا کرده و مال محسوب خواهد شد. برخی اشیای عالم به جهت فوایدی که دارند در نظر عرف و عقلاً مطلوبیت پیدا کرده، مورد عرضه و تقاضاً واقع می‌شوند. در نتیجه از آن اشیاء مالیت انتزاع می‌گردد. بنابراین مالیت پیدا کردن اشیا در

نظر عرف بدان خاطر نیست که عرف آن اشیا را مال بداند؛ بلکه از چگونگی بکارگیری آنها توسط عرف، می‌توان مالیت آنها را انتزاع کرد. شایان توجه است که وقتی عنوان مال را یک امری عرفی و عقلایی بدانیم، باید در هر زمانی کشف نماییم که عرف و عقلاً چه اشیایی را مصدق مال می‌دانند. مال هرآن چیزی است که در نظر عرف و عقلاً مطلوبیت داشته، در نتیجه برای آن تقاضاً ایجاد گردد و از صفت کمیابی نسبی نیز برخوردار باشد.

ب) قابلیت نقل و انتقال پول

مقدمتاً باید گفت: در معامله پول تنها اشکالی که می‌تواند مانع شود بحث ربوی بودن ان است بدین توضیح که کسانی که ربای معاملی را فقط در مکیل و موزون جاری می‌دانند، طبیعتاً نباید در بیع پول مشکلی داشته باشند؛ ولی کسانی که نظرات و عقاید دیگری غیر از انچه ذکر شد دارند، بالطبع باید در مورد بیع پول هم عقیده ای غیر از انچه ذکر شد داشته باشند. با توجه به این مطلب می‌توان خلاصه نظرات ایشان را در ذیل دو گروه جمع اوری و بررسی نمود:

۱- عدم امکان معامله پول

گروهی از فقهاء در مبحث ربا هم عقیده با مشهور نیستند و عقاید گوناگونی در این زمینه دارند به عنوان مثال شیخ مفید ربای معاملی را در معدودات نیز جاری می‌داند و تفاوتی بین ربای قرضی و ربای معاملی به لحاظ جنس موضوع قایل نیست. (مفید، همان، ص ۶۰۴ و ۶۰۵) و یا شهید صدر که در بحث ربای معاملی نظری کاملاً متفاوت ارایه می‌نماید؛ ایشان اعتقاد بر این دارند که موضوع ربای معاملی را اشیای مثلی تشکیل می‌دهد. (حکیم، همان، ج ۲، ص ۷۱) و یا استاد شهید مطهری که موضوع ربای معاملی را در اشیایی که قابل تقدیر و اندازه‌گیری است و یا امور مثلی و مثلیات یا غیر مشاهدها منحصر نموده اند؛ که البته شامل مکیل و موزون و معدودها هم می‌شود. (شهید مطهری، ۱۳۶۴، ص ۷۸ و ۷۹ و ۲۰۴-۲۰۷) همان طور که محرز است، پول در تعاریفی که این دیدگاه در مورد بیع و معامله پول ارایه می‌دهند؛ می‌تواند مطرح شود و ربا در آن راه پیدا کند؛ در تعریف شیخ مفید شکی نیست، که پول از معدودها و قابل شمارش است در تعریف شهید صدر همین طور می‌توان پول را از اموال مثلی به شمار اورد.

۲- امکان معامله پول

گروهی که می‌توان انها را مشهور فقها نامید، به مبادله و معامله پول اعتقاد داشته و ربا را هم در ان جاری نمی‌دانند. با تدقیق در گفته‌های ایشان می‌توان چنین استنباط نمود: مشروعیت خرید و فروش اسکناس خود مبتنی بر دو مطلب است:

الف) حرمت ربا؛ معاملی منحصر در اشیای مکیل و موزون باشد.

ب) خرید و فروش نسیہ اسکناس از نظر عرف مردم، معامله محسوب شود نه قرض

در مورد مبنای اول می‌توان گفت مشهور فقها در مکیل و موزون بودن جنس برای ربا در معامله اتفاق نظر دارند. مبنای دوم نیز از جانب برخی از بزرگان مورد مناقشه واقع شده است. آنها معتقدند فروش هزار تومان مثلاً به هزار و دویست تومان به طور نسیه، در واقع و در نظر عرف قرض می‌باشد، که قالب خرید و فروش پیدا کرده است؛ یعنی در واقع شخص هزار تومان به دیگری قرض داده، تا دو ماه بعد هزار و دویست تومان دریافت کند. به عنوان مثال حضرت امام (ره) این گونه معاملات را در صورتی که به عنوان راهی تخلص از ربا استفاده نشود، جایز می‌دانند.^۱ (Хمینی، همان ج ۲، ص ۶۱۴ و ۶۱۳ و حکیم، همان، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۷۵)

۱. «قد تقدم أن الأوراق النقدية لا يجرى فيها الربا غير القرضى فيجوز تبديل بعضها البعض بالزيادة و النقصة، سواء كان المتبدلان من نقد مملكتين كتبديل الدينار بالاسكناس أولاً كتبديل الاسكناس بمثله و الدينار بمثله، من غير فرق بين كون معتمدتها (پشتوانه) ذهباً و فضةً أو غيرهما من المعادن كال أحجار الكريمة و النفط، نعم لو فرض في مورد تكون الأوراق المذكورة كالاوراق التجارية كان حكمها كتلك الأوراق لكنه مجرد فرض، هذا إذا قصد بذلك البيع دون القرض، وإن فلا يجوز» ترجمة «تحقيقاً گذاشت که ربا غیر قرضی در اوراق نقدی، جاری نمی‌شود؛ پس تبديل بعضی از آنها به بعضی به زیاده و کم جایز است؛ خواه آنچه که با همدیگر تبديل می‌شود از نقد دو مملکت باشد مانند تبديل دینار به اسکناس یا نه مانند تبديل اسکناس به مانند آن (اسکناس) و دینار به مثل آن (دینار) باشد. و بین اینکه معتمد و پشتوانه آنها طلا و نقره باشد یا غیر آنها از معادن مانند سنگهای قیمتی و نفت، فرق نمی‌کند. البته اگر در مورد فرض شود که اوراق یاد شده مانند اوراق تجاری است، حکم آنها مانند همان اوراق است، لیکن این مجرد فرض است. این در صورتی است که بیع را به آن قصد نماید. نه قرض را- و گرنه جایزنی باشد. و همچنین «الأوراق النقدية لما لم تكن من المكيل والموزون لا يجرى فيها الربا فيجوز التفاضل فى البيع بها، لكن فى النفس منه شيء فالاحوط ضم جنس آخر إلى الأقل ولو كان من الدرام فى بيع الدنانير العراقية أو القرآن فى التومان، ومنه يظهر ان تنزيل الأوراق لا يأس به مع الاحتياط المذكور، واما ما يتعارف فى زماننا من إعطاء سند بمبلغ من الأوراق النقدية من دون أن يكون فى ذمته شيء فيأخذه آخر فينزله عدد شخص ثالث بأقل منه فالظاهر ان مرجعه الى توکيل من بإمضائه السند للشخص الآخر فى إيقاع المعاملة فى ذمته على مقدار مؤجل بأقل منه» و همچنین ایت الله مکارم : «اسکناس جزء معدودات است و قاعدتاً حکم ربا در خرید و فروش آن جاری نمی‌شود. ولی در اینجا مشکل دیگری وجود دارد؛ و آن این که در عرف عقلا اسکناس همیشه ثمن واقع می‌شود و جنبه مثمن ندارد. هیچکس در عرف بازار نمی‌گوید من ده هزار تومان نقد را به شما می‌فروشم به بیازده هزار تومان، یک ماه، مگر کسانی که بخواهند آن را حیله فرار از ربا قرار دهند، یعنی در واقع می‌خواهند با ربا وام بددهد و نام آن را بیع می‌گذارند و این گونه فرارها اعتباری ندارد. تنها دو مورد استثنای در این مسأله وجود دارد: نخست، خرید و فروش ارزهای مختلف که مثلاً دلار را با تومان مبادله می‌کنند و در عرف عقلا دیده می‌شود؛ دیگری معامله نقدی اسکناس‌های کوچک و بزرگ یا نو و کهنه با تفاوت مختصر به خاطر استفاده از نو بودن اسکناس یا کم حجم بودن آن در مسافت و غیر آن، در غیر این دو صورت اسکناس مثمن واقع نمی‌شود.» رک به پاسخ ایشان به نامه شماره ۲۲۹۴ تاریخ ۱۳۷۵/۳/۳۰، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی [دفتر قم].

در پاسخ به این اشکال که البته در موارد بسیاری حق با ایشان است و معامله پول با پول باقع همان قرض است، باید به این نکته اشاره نمود که حکم بیع پول مدخلیت تمام در حکم بیع دین پولی ندارد، با این توضیح که این اشکال در بحث بیع پول مطرح است نه در بحث بیع دین پولی که همان تنزیل است، می‌دانیم که در عرف امروزی وقتی هزار تومان پول داده می‌شود و هزار و دویست تومان گرفته می‌شود، این بیع نیست چرا که هر انسان عاقلی از این مبادله مفهوم قرض را می‌فهمد ولی وقتی که کسی هزار و دویست تومان به دیگری بدھکار است و طلبکار این دین را به هزار تومان نقد می‌فروشد، تنها مفهومی که به ذهن مرتكز می‌شود همان مفهوم بیع و معامله است نه قرض یا چیز دیگری.

با دقت در مسایل پیش گفته و مطالعه دستور العمل مصوب شورای پول و اعتبار می‌توان در پاسخ سوال سوم و تطبیق احکام خرید دین بر تنزیل اذعان داشت که بیع دین پولی یا همان تنزیل با شرایط ذیل اشکالی ندارد:

۱- دین حقيقی باشد؛ یعنی فروشنده آن واقعاً از شخص طلب داشته باشد. بنابراین در صورت صوری بودن طلب این همان قرض ربوی است، که حتی اگر ان را بیع بدانیم به لحاظ عدم وجود مورد معامله محکوم به بطلان است.

بر همین اساس است که ماده ۳ و دستور العمل اجرایی خرید دین چنین مقرر می‌دارد: «اسناد و اوراق تجاری به ان دسته از اسناد و اوراق بها دار اطلاق می‌گردد که مفاد ان حاکی از طلب حقيقی متقاضی باشد». ^۱

حقیقی بودن دین بدين معناست که دینی مورد معامله قرار می‌گیرد که به طور واقعی وجود داشته باشد، و به نظر می‌رسد از شرایط صحت عقد است چرا که اگر دینی وجود نداشته باشد، موضوع معامله مخدوش و غیر واقعی است. انگیزه طرفین از معامله دین، صوری و غیر واقعی دو مورد می‌تواند باشد:

(الف) گاهی شخصی می‌خواهد از بانک وام بگیرد ولی به هر دلیلی این امر امکان پذیر نیست، با توجه به اضطراری که دارد به طور صوری اسناد و اوراق تجاری که بیانگر طلب او از شخص دیگری است را مهیا نموده و بدین ترتیب به نام خرید دین ولی در واقع گرفتن وام از بانک مشکل خویش را حل می‌کند.

(ب) گاهی این عمل راهی است برای دور زدن شرع و قانون که منجر به معاملات ربوی می‌شود، بدین ترتیب که شخصی قصد قرض دادن به دیگری و گرفتن ربا از وی را دارد، در قالب عقد خرید

۱. همچنین ماده ۴ دستور العمل مذکور «بانک ها موظف اند قبل از خرید دین موضوع اسناد و اوراق تجاری، از حقیقی بودن دین و نقد شوندگی ان در سر رسید، اطمینان پیدا کنند».

دین بین خودشان به طور غیر واقعی طلبی را بر اساس اسناد تجاری مهیا کرده و با عنوان عقد خرید دین ان را به مبلغ کمتر به خود او می فروشد، البته این در صورتی است که عقد خرید دین موضوع قانون الحاقی به قانون عملیات بانکی بدون ربا را در مورد اشخاص حقیقی هم جاری بدانیم، چرا که در دستور العمل و خود قانون یک طرف قرارداد یعنی خریدار دین بانک ها هستند. البته شرط حقیقی بودن دین چیز تازه ای در بحث خرید دین نیست، در فقه امامیه هم فقهها به بحث در مورد آن پرداخته اند؛ برخی در مورد سفته که یکی از مصادیق اسناد تجاری است قائل به تفکیک آن به شکل ذیل شده اند:

۱- سفته واقعی

سفته واقعی سندی است که بیانگر بدھی واقعی بدھکار به دارنده سند است، و اکثریت فقهاء قائل به صحبت بیع چنین دینی شده اند حال برخی ان را مطلقاً و برخی با تفصیل صحیح می دانند. (خمینی، همان، ج، ۲، ص ۸۷۲)

۲- سفته دوستانه (صوری)

سفته دوستانه سندی است صوری بین دو نفر تنظیم شده است بدون اینکه واقعاً دینی در کار باشد، که اغلب برای تنزیل و معامله پولی صورت می گیرد که فقهاء بیع این دین را را باطل و حرام می دانند. (خراسانی، ۱۴۲۸، ص ۶۰۰)

البته از حقیقی بودن دین نمی شود به راحتی اطمینان حاصل کرد، به نظر می رسد باید در این زمینه کمی با دقت بیشتری به مساله نگاه کرد، بدین ترتیب که بانکها و کسانی که متصدی انجام این گونه معاملات هستند، شرایطی را تعیین که بواسطه انها بتوان حقیقی و غیر حقیقی بودن دین را تشخیص داد؛ مثلاً برای متقارضانی که درخواست فروش دین خود را دارند، بخواهند که قرارداد اصلی و بیانگر سند را که بین تجار منعقد می شود و یا هر گونه سندی که نشانگر وجود رابطه حقوقی بین طلبکار و بدھکار هست را به بانک ارایه کنند.

البته لازم است برای اسناد صوری و غیر واقعی هم باید فکری شود، که قابل خرید و فروش باشند؛ در بین فقهاء هم برخی راهکار هایی ارایه داده اند؛ (خمینی، مترجم اسلامی، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۴۵۵) به عنوان مثال برخی برای بیع سفته صوری دو راه حل پیشنهاد نموده اند:

۱- «اگر ورقه سفته را به دیگری بدهد تا آن را نزد شخص ثالثی کم نماید و این شخص سوم در موعد مقرر به مدیون صوری رجوع کند، در حقیقت به توکیل او به اینکه او معاوضه را با شخص ثالث در ذمه مدیون صوری واقع سازد، بر می گردد؛ پس مدیون صوری بعد از معامله‌ای که به وکالت او انجام شده، حقیقتاً مدیون شخص ثالث می شود.» (خمینی، همان)

و چون این بیع مکیل و موزون نیست، معامله به کمتر و بیشتر صحیح است. و نیز این عمل اذن دادن به طلبکار صوری است در قرض گرفتن برای خودش آنچه را که می‌گیرد. و باید شرط ربح نشود. و زیادی (یا) مجاناً داده می‌شود یا عمل به استحباب شرعی می‌باشد. و دافع حق رجوع به طلبکار صوری را دارد برای آنکه قرار ضمنی داشته و اینکه او متبرع نمی‌باشد.

۲- «دادن ورقه سفته به او تا آن را کم کند و سومی به او رجوع کند موجب دو امر است:

یکی از آنها این است که: طلبکار صوری به اندازه ورقه سفته، نزد سومی (بانک یا غیر آن) صاحب اعتبار می‌شود. و برای همین جهت بر ذمّة طلبکار صوری معامله می‌شود؛ پس او مدييون شخص ثالث می‌گردد. دومی آنها این است که: التزامی است از مدييون صوری به ادای مقدار مذکور؛ در صورتی که طلبکار صوری که او حقیقتاً مدييون شخص سوم شده آن را نپردازد. و این التزام، ضمنی است به خاطر معهود بودن رجوع به او، در صورت نپرداختن مدييون. و برای دافع، رجوع به مدفوع عنه جائز است در صورتی که متبرع در پرداخت نبوده و این نیز، لازمه قرار مذکور می‌باشد. و ظاهر آن است که بعد از آنکه ربوی نباشد، این معامله و التزام مذکور، صحیح است؛ زیرا این از قبیل ضمّ ذمّه به ذمّه می‌باشد و به حسب قواعد صحیح است، اگر چه بنابر مذهب حق، به ضمان برنگردد.» (همان)

همچنان که پیداست ایشان بیع دین غیرحقیقی را در قالب وکالت و ضمان توجیح کرده‌اند؛ و بهتر بود که قانون گذار علاوه بر اوردن این شرط، (حقیقی بودن دین) روشی هم برای بیع دیون غیر حقیقی پیش بینی می‌کرد؛ البته نه اینکه خرید دین صوری انجام شود بلکه با توجه

مباحث مذکور و استفاده از عقد ضمان و وکالت انتقال دین صورت بگیرد.

البته هستند کسانی که در عین حال که بیع پول را مجاز نمی‌دانند، ولی تنزیل را مجاز می‌پندازند؛ به عنوان مثال: سید محمد باقر صدر در ضمن اشاره به شهرت صحت تنزیل در بین فقهای امامیه، خود با این که در بیع پول ربا را جاری می‌داند، احتمال صحت ان را می‌دهد؛ البته در استناد و اوراق تجاری که واقعی باشد.^۱ (شهید صدر، ، ۱۴۰۱، ص ۱۵۹)

۱. با این عبارت «تکیيف خصم الكمبيوتر على أساس البيع و هناك اتجاه فقهى الى تکیيف عمليّة خصم الكمبيوتر على أساس البيع و ذلك بافتراض ان المستفيد الذى تقدم الى البنك طالبا خصم الورقة ببيع الدين الذى تمثله الورقة و هو مثلاً ۱۰۰ دينار به ۹۵ ديناراً حاضره، فيملک البنك بموجب هذا البيع الدين الذى كان المستفيد يملکه فى ذمة محتر الكمبيوتر لقاء الشمن الذى يدفعه فعلاً اليه فيكون من بيع الدين بأقل منه و على أساس هذا التکیيف لعمليّة الخصم يتوجه كثير من الفقهاء الى جوازه شرعاً لأن بيع الدين بأقل منه جائز شرعاً إذا لم يكن الدين من الذهب أو الفضة أو مکیل أو موزون آخر. و نظراً الى ان الدين المباع بأقل منه بعمليات الخصم ليس من الذهب و الفضة و انما هو دين بأوراق نقدية فيجوز بيعها بأقل منها.»

یا حضرت امام خمینی با اینکه بیع پول را در واقع قرض و ربی می داند، راهکاری را برای تنزیل ارایه می نماید: «با این حال، می توان تنزیل آن را به شکل دیگری مشروع دانست، به این صورت که امضاکننده سفته، استفاده کننده را وکیل می کند تا مقدار سفته را در ذمه امضاکننده بفروشد به پولی دیگر و به قیمتی کمتر از ارزش آن. مثلاً اگر سفته ۵۰ دینار عراقی باشد و ارزش واقعی آن ۱۱۰۰ تومان باشد استفاده کننده به وکالت از امضاکننده ۵۰ دینار در ذمه او می فروشد به ۱۰۰۰ تومان. پس از این معامله، ذمه امضاکننده سفته به ۵۰ دینار مشغول می شود و استفاده کننده هزار تومانی که ملک امضاکننده است دریافت می کند. سپس استفاده کننده هزار تومان را به وکالت از امضاکننده به خودش می فروشد در مقابل ۵۰ دینار در ذمه خودش، در نتیجه ذمه او برای امضاکننده به مقدار همان پنجاه دینار که امضاکننده بدھکار بانک است بدھکار می شود.» (Хمینی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۸۹۱)

همینطور یکی دیگر از فقهای معاصر که تنزیل را محل اشکال می داند، راهکاری را برای ان ارایه می دهد: «و چنانچه مالک ناقص با مالک زاید مصالحه کند بر این که مالک زاید آن را به او ببخشد، و او هم ناقص را به مالک زاید بخشد، اشکال ندارد، مثلاً مالک نهصد تومان به مالک هزار تومان به قصد مصالحه بگوید: «مصالحه می کنم با تو بر این که هزار تومان به من ببخشی و من نهصد تومان به تو ببخشم.»^۱ (وحید خراسانی، همان، ص ۶۰۵)

۳- نقد شوندگی دین و معتبر بودن مدیون

ماده ۵ دستور العمل اجرایی خرید دین مقرر می دارد: «بانک ها موظف اند قبل از خرید دین موضوع استناد و اوراق تجاری، از حقیقی بودن دین و نقد شوندگی ان در سر رسید، اطمینان پیدا کنند.»

منظور از نقد شوندگی دین این است که بانک اطمینان پیدا کند که دین از طرف مدیون پرداخت خواهد شد و گرنه بانک ضرر خواهد کرد و به دردسر خواهد افتاد. برای رسیدن بدين منظور می توان ترتیبی داد که قبل از معامله از وضعیت مدیون اطلاعاتی بدست اید، تا معتبر یا غیر معتبر بودن وی روشن شود. مثلاً می توان به عنوان مدارک لازم برای انجام خرید دین، استعلام وضعیت ملکی

۱. «و معلوم است که این پولها با کیل یا وزن فروخته نمی شوند، و این جهت بعضی از فقهاء (اعلی الله مقامهم) فرموده اند: «معاوضة این پولها به هم جنس خود با زیاده جایز است، و همچنین معامله این پولها که دین در ذمه باشد به نقدی با نقیصه یا زیاده جایز است.» ولی معاوضة چیزی که مالیت اعتباری دارد و به شماره خرید و فروش می شود، به هم جنس خود با زیاده یا نقیصه محل اشکال است.»

مدیون از اداره ثبت را لازم داشت. یا اینکه بانک فقط دیونی را مورد خرید و فروش قرار می‌دهد که وثیقه و تضمین مناسب و معتبری داشته باشد.

۴- مدت سرسید

در مورد سرسید دینی که مورد معامله قرار می‌گیرد ماده ۶ دستور العمل اجرایی خرید دین مقرر می‌دارد: «خرید دین موضوع اسناد و اوراق تجاری توسط بانک‌ها در صورتی مجاز است که سرسید این قبیل اسناد و اوراق تجاری از یک سال تجاوز ننماید.»

تبصره «بانک‌ها در موارد خاص و با موافقت هیئت مدیره خود، مجاز به خرید موضوع اسناد و اوراق تجاری با سرسید حداکثر تا دو سال می‌باشند.»

با توجه به این که خریدار دین در قانون عملیات بانکی بدون ربا و دستور العمل شورای پول و اعتبار همیشه بانک‌ها هستند این شرط برای انها لازم است؛ و در نتیجه هیچ‌گاه در خرید دین اسناد و اوراق تجاری که صورت می‌گیرد، سرسید ان بیش از دو سال نمی‌تواند باشد؛ و دو سال هم با توجه به موارد خاص و موافقت هیئت مدیره بانک صورت می‌گیرد. انچه قابل بحث است نخست موارد خاص که دستور العمل هیچ توضیحی در مورد آن نداده است و روش نیست که این موارد خاص چه مواردی است؟ دوم موافقت هیئت مدیره که ایا شرط صحت معامله است و یا برای ارشاد آورده شده است؟

در مورد اولی به نظر می‌رسد موارد خاص مواردی است که اوضاع و احوال دینی که مورد معامله قرار می‌گیرد متفاوت است؛ به عنوان مثال متعهد دین شرکت سهامی عام است که از اعتبار بسیار بالایی در دنیای تجارت برخوردار است و میزان دین به اندازه ای است که ارزش پول و تورم در آن تاثیر چندانی ندارد؛ با توجه به این اوضاع و احوال بانک می‌تواند با موافقت هیئت مدیره خود اقدام به خرید اسناد تجاری بنماید. در مورد موافقت هیئت مدیره می‌توان گفت به دلیل اینکه قانون این حق را به بانک برای معامله دین نداده است موافقت هیئت مدیره از شرایط صحت عقد به شمار می‌رود و لهذا این امر باید مورد توجه قرار گیرد.

۵- نمونه‌های عملی

در نظام بانکداری تنزيل اعتبارات اسنادی و تنزيل اسناد تجاری و اوراق بهادر در قالب خرید دین پولی انجام می‌شود که در ذیل بدان اشاره می‌کنیم.

۱-۵- تنزیل اعتبارات اسنادی

اعتبارات اسنادی امروز در عملیات بانکی جایگاه ویژه‌ای دارد، که یکی از معاملاتی که بر روی ان انجام می‌شود؛ تنزیل آن است که در ذیل به بررسی آن می‌پردازیم.

اعتبارات اسنادی: «اعتبار اسنادی ابزاری است که بوسیله آن یک بانک (بانک گشاینده یا صادر کننده) بر اساس درخواست خریدار (درخواست کننده) پرداخت وجه معینی را به فروشنده (ذینفع) در قبال ارائه اسنادی که نشانگر اجرای صحیح قرارداد فروش هستند تعهد می‌کند. اعتبار اسنادی وسیله‌ای برای تضمین پرداخت است و نقش بانک نیز در این تضمین اهمیت فراوان دارد.» (السان، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷) اعتبار اسنادی به منظور حل و فصل تعارض‌ها و اختلاف منافع بین طرفین یک قرارداد خرید و فروش، تدوین و توسعه یافته است. هنگامی که خریدار و فروشنده در دو کشور مختلف اقامت دارند، فروشنده نمی‌خواهد کالاهای مورد معامله پیش از پرداخت بها در اختیار خریدار قرار گیرد و تحويل وی شود و خریدار نیز می‌خواهد پیش از تحويل کالاهای پرداختی را انجام ندهد در این صورت از روش اعتبار اسنادی استفاده به عمل می‌آید و تعهدی از سوی بانک است که به خریدار و فروشنده داده می‌شود. (همان، ص ۱۷۸) در این میان پس از رعایت مقررات و اصول اصلی از سوی بانک تعهد می‌شود که مبلغ مورد تعهد خریدار به موقع و با رقم صحیح به دست فروشنده برسد. هرگاه که خریدار قادر به پرداخت مبلغ خرید نباشد، بانک موظف است باقیمانده یا تمام مبلغ خرید را پردازد. اعتبارات اسنادی اغلب در معاملات بین المللی به منظور اطمینان از دریافت مبالغ پرداختی مورد استفاده قرار می‌گیرد. گشایش اعتبار اسنادی از وظایف نظام بانکی است در عین حال همانند سایر اعمال و فعالیت‌های نظام بانکی باید تحت نظرات و بر اساس مقررات تدوین شده توسط بانک مرکزی هر کشور انجام شود.

بنا بر مطالب پیش گفته اعتبار اسنادی تعهد یک بانک است برای پرداخت ثمن معامله مشروط بر انکه فروشنده کالا یا خدمات اسناد مندرج در قرارداد گشایش اعتبار را که میان تحويل و ارسال کالا یا انجام خدمت باشد ظرف مهلت مقرر به بانک ارائه کند. و وجه اعتبار زمانی قابل پرداخت است که اسناد تحويل و حمل کالا و سایر اسنادی که در اعتبار ذکر شده است؛ مانند گواهی بازرگی کالا و غیره کاملاً منطبق با شرایط ذکر شده در اعتبار باشد. (همان، صص ۲۳۲ و ۲۳۳)

در اعتبارات اسنادی هنگامی که متقاضی گشایش اعتبار می‌نماید، بانک را به مبلغ و میزان اعتبار مديون خویش می‌کند؛ در نتیجه بانک به میزان مبلغ مورد گشایش مديون متقاضی می‌شود و این دین به وجود امده را باید در مدت مورد نظر پرداخت نماید که یا به خود متقاضی و اگر متقاضی خود ثمن معامله را نپرداخت به طرف دیگر؛ حال این دین مدت دار را دائن به مبلغ کمتر به مديون (بانک) می‌فروشد. و اين دقيقا همان تنزيل و خريد دين است. در جريان فساد بزرگ

بانکی اداره حقوقی بانک مرکزی در پاسخ به این سوال بانک مذکور نظر خود را مبنی بر جواز تنزيل اینگونه استناد بیان داشت و گفت: همانطور که می توان برات را نزد بانک تنزيل کرد، اعتبارات استنادی را نیز می توان نزد بانک تنزيل نمود.

۲-۵- تنزيل استناد تجاری

اگر یک سند تجاری بصورت وعده دار صادر شود مانند اینکه بر روی یک برات در هنگام صدور ، تاریخ یک سال بعد بر روی آن درج شود، دارنده برات می تواند قبل از سر رسید به بانک یا شخص ثالث مراجعه کند و بانک با کم کردن درصدی از مبلغ مندرج بروی سند تجاری، وجه برات را نقدا به دارنده آن می پردازد و در تاریخ سرسید تمام وجه مندرج بر روی برات را از محل علیه یا دیگر مسئولین برات اخذ می نماید، که این دقیقا همان تنزيل یا خرید دین پولی است و با پیشنهاد قانونی که در نظام حقوقی ایران دارد یکی از راههای تخصیص منابع در نظام بانکی است. (تاریخ ۶۱/۸/۲۶ شورای پول و اعتبار و بخش‌نامه ۸۲/۱۲/۲۵ بانک مرکزی)

در فقه و حقوق اقتصادی اسلامی وقتی که ما بیع دین را پذیرفتیم در واقع تنزيل را نیز پذیرفته ایم؛ زیرا بیع دین به معنای فروش دین مدت دار به مبلغ کمتر است به عبارت روشن تر، بیع دین پولی عبارت است از تنزيل استناد و اوراق تجاری که سرسید آن ها در آینده است؛ (امام خمینی، ۱۴۲۴، ۱۴۲۸، ص ۸۹۱ - وحید خراسانی، ۱۴۲۸، ص ۶۰۵) به این صورت که مثلا دارنده سفته با مراجعه به بانک، قبل از سرسید طلب خود را نقدا و با مبلغی کمتر دریافت می نماید. بانکها بر اساس مصوبه شورای پول و اعتبار برای اشخاص حقیقی یا حقوقی تا سقف معین خط اعتبار تعیین می کنند و شکل استفاده از آن چنین است که اشخاص مزبور کالاهای مورد نیاز خود را خریداری و به جای پرداخت وجه نقد، سفته ای معادل قیمت خرید به سرسید معین به فروشنده گان تحويل می دهند و فروشنده گان کالا، سفته را به بانک محل اعتبار خریدار برد تنزيل می کنند.

۶- نتیجه گیری

خرید دین یکی از عقود اسلامی است که در مسائل زیادی از معاملات امروزی کاربرد دارد؛ و از جمله آن ها حقوق بانکی است؛ با مطالعه این عمل حقوقی می توان فقهای شیعه را در بحث خرید دین به پنج گروه تقسیم کرد:

- ۱- گروهی از فقهاء خرید دین را به طور مطلق صحیح می دانند، بدون اینکه در این خصوص تقسیم بندی خاصی داشته باشند و قابل به تفصیل شوند.

- ۲- گروهی معتقدند اگر عوضی که در مقابل دین قرار می گیرد خود دین باشد، عقد خرید دین باطل است.
- ۳- گروهی خرید دین توسط غیر مدييون را صحیح و يا واجد اثر حقوقی نمی دانند.
- ۴- گروهی خرید دین بعد از حلول ان را صحیح لیکن خرید دین قبل از حلول ان را باطل و بلا اثر می دانند.
- ۵- گروهی دیگر خرید دین به میزان کمتر از دین را جایز و يا دست کم واجد اثر حقوقی نمی دانند.

همان طور که ملاحظه می شود گروهی از فقهاء قائل به صحت خرید دین به صورت مطلق هستند که می توان از این نظریه برای تقنین در حیطه بانکی استفاده و این عقد اسلامی را در حقوق بانکی بصورت کامل اجرایی نمود و در عملیات بانکی (قراردادهای تجهیز و تخصیص منابع) از آن بهره جست.

علی ایحال به نظر می رسد می توان با توجه به مشروعیت مطلق خرید دین در نگاه برخی از فقهاء که بدان ها اشاره شد، این عقد به عملیات بانکی بدون ربا ملحق شد. البته قانون مذکور، خرید دین را مختص خرید دین پولی ندانسته ولی دستورالعمل اجرایی عقد خرید دین را در دستور العمل فقط از نوع خرید دین پولی (تنزیل)، مد نظر قرار داده که به نظر می رسد این محدود کردن عقد خرید دین است که می تواند در بسیاری از موارد غیر پولی مورد استفاده قرار گیرد؛ که البته قابل انتقاد است.

منابع و مأخذ

- اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ۱۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۳.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، کتاب المکاسب (للشيخ الانصاری، ط - الحدیثة)، ۶ جلد، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۵.
- بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناصرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۲۵ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۵.
- برد بار، نعمت الله، بررسی فقهی و حقوقی چهار قرارداد بانکی، (مضاربه، مشارکت مدنی، فروش اقساطی، بیع دین) موسسه اموزش عالی بانکداری، ۱۳۸۳.
- بندرریگی، محمد، المنجد، چاپ اول: تهران، انتشارات ایران، ۱۳۷۵، ج ۲.
- تبیریزی، جواد بن علی، استفتاءات جدید (تبیریزی)، دو جلد، قم - ایران، اول، بی تا.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ گنج دانش، چاپ هجدهم، ۱۳۸۶.
- حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل (ط - الحدیثة)، ۱۶ جلد، مؤسسه آل البيت (ع)، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸.
- حلّی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۰.
- حلّی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، ۵ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۷.
- حلّی، شمس الدین محمد بن شجاع القطّان، معالم الدين فی فقه آل یاسین، دو جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۴.
- حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط - الحدیثة)، ۶ جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۰.
- حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذكرة الفقهاء، ۱۴ جلد، مؤسسه آل البيت (ع)، قم - ایران، اول، ۱۴۱۴.
- حلّی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، إيضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ۴ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران، اول، ۱۳۸۷.
- حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران، دوم، ۱۴۰۸.

- حلى، مقداد بن عبد الله سیوری، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ۴ جلد، انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی - ره، قم - ایران، اول، ۱۴۰۴.
- خامنه‌ای، سید علی بن جواد حسینی، أجبوبة الاستفتاءات (فارسی)، در یک جلد، دفتر معظم له در قم، قم - ایران، اول، ۱۴۲۴.
- خراسانی، حسین وحید، توضیح المسائل، در یک جلد، مدرسه امام باقر عليه السلام، قم - ایران، نهم، ۱۴۲۸.
- خمینی (ره)، روح الله، تحریر الوسیله، قم، موسسه النشر الاسلامی، بی تا.
- خمینی، سید روح الله موسوی، استفتاءات، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، پنجم، ۱۴۲۲.
- خمینی، سید روح الله موسوی، توضیح المسائل، در یک جلد، اول، ۱۴۲۶.
- خوبی، السيد ابوالقاسم ، منهج الصالحين، الطبعة الثامنة و العشرون، قم، نشر مدینة العلم، ۱۴۱.
- زنجانی، سید موسی شبیری، رساله توضیح المسائل، در یک جلد، انتشارات سلسیل، قم - ایران، اول، ۱۴۳۰.
- السان، مصطفی، حقوق بانکی، تهران، سمت، اول، ۱۳۹۱.
- سیستانی، سید علی حسینی، المسائل المنتخبة، در یک جلد، دفتر حضرت آیة الله سیستانی، قم - ایران، نهم، ۱۴۲۲.
- شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید ، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷.
- شیرازی، ناصر مکارم، بررسی طرق فرار از ربا، در یک جلد، قم - ایران، اول، بی تا.
- صدقوق، محمد بن علی بن بابویه، الهدایة فی الأصول و الفروع، در یک جلد، مؤسسه امام هادی (ع)، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الخلاف، ۶ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۷.
- طوسی، محمد بن علی بن حمزه، الوسیلة إلی نیل الفضیلہ، در یک جلد، انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی - ره، قم - ایران، اول، ۱۴۰۸.
- عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعہ، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت (ع)، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹.
- عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامۃ (ط - الحدیثة)، ۲۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۹.

- عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، الدروس الشرعية فى فقه الإمامية، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علميه قم، قم - ايران، دوم، ۱۴۱۸.
- عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على، الروضه البهيه فى شرح اللمعه الديشيقه (المحسنى - كلاتر)، ۱۰ جلد، كتابفروشى داورى، قم - ايران، اول، ۱۴۱۰.
- عاملى، كركى، محقق ثانى، جامع المقاصد فى شرح القواعد، ۱۳ جلد، مؤسسه آل البيت (ع)، قم - ايران، دوم، ۱۴۱۴.
- عميدى، سيد عميد الدين حسينى، كنز الفوائد فى حل مشكلات القواعد، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، ۱۴۱۶.
- فاضل لنكرانى، محمد موحدى، رساله توضيح المسائل (فاضل)، در يك جلد، قم - ايران، ۱۴۲۶.
- فاضل، حسن بن ابى طالب یوسفى، كشف الرموز فى شرح مختصر النافع، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علميه قم، قم - ايران، سوم، ۱۴۱۷.
- فياض، محمد اسحاق، مترجم موسى دانش، چاپ اول، استان قدس رضوى، ۱۳۹۲.
- قنواتى، جليل، وحدتى، حسن، عبدى پور، ابراهيم(زير نظر محقق داماد)، حقوق قراردادها در فقه امامى، سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- کاتوزيان، ناصر، حقوق مدنى (قواعد عمومي قراردادها) سهامى انتشار، چاپ ششم، ۱۳۸۳، ج ۲.
- کاشانى، سيد محمود، نارسايى های حقوق بانکدارى در ايران، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۲، ۱۳۸۴.
- محقق داماد، سيد مصطفى، تحصيل مال از طريق نامشروع، نشر علوم اسلامى، ۱۳۹۳.
- مفید، محمد بن محمد، المقنعة، در يك جلد، کنگره جهانى هزاره شيخ مفید - رحمة الله عليه، قم - ايران، اول، ۱۴۱۳.
- نائينى، ميرزا محمد حسين غروى، منيـة الطالب فى حاشية المکاسب، ۲ جلد، المکتبـة المحمدـية، تهران - ايران، اول، ۱۳۷۳.
- نجفى، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، دار إحياء التراث العربى، بيروت - لبنان، هفتـم، ۱۴۰۴.